

پس از پیروزی انقلاب در بهمن ۱۳۵۷ که کارگران مؤثرترین و کارآترین نیروهای محرکه می آن بودند انتظار می رفت که نقش فعالانه این انرژی خلاق و سازنده که پایه های اقتصاد جامعه متکی به آن بوده و هسته این بار و شکل واقعی آن مورد ارزیابی قرار گیرد و در بنای جامعه مستقل و آزاد به دور از پیش داوری ها موجدیت و هویت این بخش توانمند به رسمیت شناخته شود اما متأسفانه این بار نیز همانند دوران پیش از انقلاب به نظر نظام حاکم و احزاب و جریانات و جناح های وابسته به آن و نه احزاب و سازمان های بیرون از حاکمیت هیچ یک نخواستند و نتوانستند به این درک نایل آیند که طبقه کارگر، علی رغم غنای خدمات آنان به هیچ یک از جریانات موجود نمی تواند وابسته باشد و هویتی مستقل داشته و دارد.

گروه ها و جریاناتی که به لحاظ کسریات ایندولوژیک در صف طرفداران طبقه کارگر قرار داشته قبل از آن که جنبش کارگری را به طور مستقل درک کنند تمایل داشتند که در تحلیل و تبیین تئوری ها و مواضع

کارگران

زندگی اجتماعی در ایران

حسین اکبری

خود به آن نسبت کارگری - کمونیستی بدهند غافل از آن که این خود پنهانی خواهد شد در دست تمامی آنان که با به دلیل هراس از نقش کارگران در زندگی اجتماعی یا به دلیل هراس از قوت یافتن برتران سیاسی چپ و رادیکال و یا تحت تاثیر افکات سرمایه داری جهانی و وابستگی آن ها از نظر مفهوم کمونیسم در ایران و نقش و نفوذ اتحاد جماهیر شوروی به خاطر دستیابی به آن های گرم و غیوه یا ابزارهای قانونی و غیرقانونی و ترندهای مختلفه می خواهند نقش کارگران را در زندگی اجتماعی شان قلمیم سازند.

در طول سال های بعد از پیروزی انقلاب این اندیشه که هر گونه تشکیلات کارگران ممکن است متأثر از نیروهای چپ باشد و نهایتاً وابسته به آن ها خواهد شد موجب گردید که تئوری تشکیلات وابسته کارگری در حکومت تقویت شود و هر جا که شورا یا انجمن صنفی وجود دارد یا متحمل گردد و یا با تغییراتی جذب کانون واحدی که قابل کنترل باشد بشود در عرصه های دیگر اجتماعی چپ نیز به تبع همین اندیشه عمل گردیده است. در طول سال های پس از انقلاب تاکنون طی پنج دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی تعداد کسانی که با طرح و دفاع از متاعف توده ای کارگران

توانستند به مجلس راه یابند در بهترین شکل، تعدادشان از انگشتان دست هم کم تر بوده است و آنان هم جدا از تمایلات خودشان قطعاً تأیید شورای نگهبان را خواهند داشت و این در حالی است که مطابق آخرین داده های مرکز آمار ایران شائین در سال ۱۳۷۵ به تعداد ۱۴ میلیون و ۵۷۱ هزار و ۵۷۲ نفر بوده اند که ۳۰/۷ درصد آن در بخش صنعت ۲۳۶ درصد در بخش کشاورزی فعالیت گوار خواهند و این رقم نسبت به ده سال قبل یعنی ۱۳۶۵ تعداد ۳ میلیون و ۵۷۰ هزار و ۲۶ نفر افزایش داشته است.

(روزنامه ی همشهری اول اردیبهشت) مطابق سرشماری سال ۱۳۷۰ تعداد شائین کشور ۱۲/۰۹۷۰۰۰ نفر بوده است که سهم بخش های مختلف به ترتیب عبارت بوده است از:

کشاورزی و دامپروری برابر ۲/۰۵۰۰۰ معادن برابر ۱/۰۱۰۰۰ صنعت برابر ۲/۰۱۲۰۰ آب و برق و گاز برابر ۱/۲۹۰۰۰ ساختمان برابر ۱/۱۳۲۰۰ حمل و نقل و ارتباطات برابر ۰/۶۲۰۰۰ خدمات عمومی و

اجتماعی و شخصی برابر ۲/۵۱۸۰۰۰ خدمات بیمه و مالی و ملکی، حقوقی و تجاری برابر ۱/۹۵۰۰۰ عمدتوروشی و هنلداری برابر ۱/۱۳۸۰۰۰ قایلتهای غیر قابل طبقه بندی برابر ۵۶۲۰۰۰ درصد بیکاری در سال ۱۳۶۵ برابر ۱۲/۲ درصد و درصد بیکاری در سال ۱۳۷۵ برابر ۱۹/۱ درصد نسبت کل شائین به کل جمعیت کشور در مجموع حدود ۲۶ درصد که عمدتاً کارگران بخش صنعت و معدن و کشاورزی و صنوف می باشند.

کارگران ایران از بدو تولد در صنوف تا دوران رشد در تاوان صنعت نفت و سپس راهان سراسری و از آن جا در کارخانجات مادر و صنایع کوچک و بزرگ و بخش کشاورزی همیشه به عنوان یک واقعیت در چرخه ی اقتصاد این سینه پنهان وجود داشته اند. اما هواره با تلاش بی امان سنی در حذف این نیروی متزنگ از حیات سیاسی و اجتماعی می شده است. اگر به نرخ رشد جمعیت کارگری کشور و مقایسه آن با میزان مشارکت قانونمند، شکل پنهان و آگاهانه این جمیت در حیات اجتماعی ایران بنگریم در می یابیم که چه ستمی از ناحیه ی ناپید گرفتن حقوق فرد فرد کارگران به کشور عزیزمان رفته است. اگر انقلاب شکوهمند ۱۳۷۵ به عنوان یک واقعیت

در دنیا پذیرفته شده است قطعاً پذیرفتنی است که نقش کارگران در پیروزی انقلاب تا چه میزان مؤثر بوده است. اگر تومعه دشمنان قسم خورده می ایران پس از انقلاب یک واقعیت است قطعاً نقش کارگران در حفظ ثروت های ملی و کارخانه های رها شده در از راهی تولید و حمایت آن انکار نشنی است. اگر تهاجم و تجاوز عراق به سینه عزیز ما دیگر بر هیچ یک پوشیده نیست قطعاً تلاش رزمندگان سنگر تولید اعتبار خاصی به عنوان پشتیبان دفاع شرافتمندانه داشته است. و اگر دوران سازندگی پس از جنگ ملاک قرار گیرد در می یابیم بدون وجود این نیروی عظیم هیچ سنگ روی سنگ بند نمی شود و این تهاجم ها که همواره با سختی و رنج و تحمل گران و تورم همراه بوده است هر جا که در شکل و قاعده ی وجود است نسبتاً اصولی قرار گرفته است مؤثر تر و کارآتر بوده است. اما عدم استقلال و به رسمیت شناختن و بی هویت نشان دادن طبقه کارگر در ایران تاریخچه ای طولانی دارد و به تبع آن، اندیشه تئوری تشکیلات کارگری وابسته که برگرفته از شرایط قبل از حکومت کودتا در سال



۱۳۳۲ می باشد در قوانین و مجالس قانون گذاری، مهر خود را بر مصوبات کوبیده است. در ماده ۲۹ قانون کار پیش از انقلاب، مصوب ۲۶ اسفند ۱۳۳۷ آمده است: «سندیکاها، اتحادیه ها و سندراسیون ها حق دخالت در امور سیاسی را ندارند و فقط در موارد متاعف حرفه ای اقتصادی خود می توانند نسبت به احزاب سیاسی اظهار تمایل و با آنان همکاری نمایند». عدم استقلال و تئوری وابستگی، در این ماده از قانون کار رژیم گذشته آن قدر صراحت دارد که به عنوان مدرکی موجب سوسامندگی کارگریان، پس از پیروزی انقلاب گردید و با طرح این موضوع اظهار می داشتند که سندیکا طاقونی است و بدین وسیله کلیه ی سندیکاها را متحمل نمودند و از اطمین قایلیت آن ها جلوگیری کردند همین جریانات با توجه به فعالیت این تشکیلات کارگران در شکل شواری بزرگ موجب گردید تا طبق مصوبه ای کلیه ی انجدهای و نیز صنتی از داشتن هرگونه تشکل محرم گردند که متأسفانه این مصوبه همچنان به قوت خویش باقی است. موضوع عدم هویت طبقه کارگر در ذهن بارها از طرفداران عقیدماندی سرمایه داری به گونه ای شکل گرفته بود که حتا از طرح عبارت «کارگر» نیز بهره یز داشتند وزیر کار وقت (محمد توفیق) به عنوان سخنگوی

خاموشی نویسنده چراغ آخر

راستی چرا گاه و بی‌گاه عده‌ای از زندگان این روز و بوم ترک بلد می‌کنند و چرا گروهی از انسان علی‌رغم همه وابستگی‌ها و دل‌تنگی‌های به وطن، تا پایان عمر در غربت می‌مانند؟

این‌جا به صحبت از علامه یحیی دهخدا است که شاید سبب ایام‌زدن از استاد پاراشطر که عرش دراز بساختن از صادق هدایت، محمدعلی جمال‌زاده، بزرگ علوی، غلامحسین ساعدی، اسلام قاضی‌ها و از صادق چوبک است که همین روز چند پیش، یعنی شنبه یازده تیر ماه پس از هشتاد و دو سال در برکنی کالیفرنیا برای همیشه با همه خدایان‌فانی کرد.

صادق چوبک در تیرماه ۱۲۹۵ به دنیا آمد. تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در زادگاهش بو شهر و شیراز، و مابقی را در کالج امریکایی تهران به پایان برد. **خمیمه‌سب‌پازی** با یازده قسه (۱۳۳۴) انشروی که لویش **مُرده** بود با سه قسه و یک نمایشنامه (۱۳۳۸)، **رمان تنگسیر** (۱۳۴۲)، **چراغ آخر** با هفت قسه (۱۳۴۴)، **روز اول** قیر با ده قسه و یک نمایشنامه (۱۳۴۴)، **رمان سنگ** قصه‌سور (۱۳۴۵) کارنامه درخشان قصه‌نویسی او را شکل می‌دهند. علاوه بر آثار مذکور، ترجمه‌هایی از قسه و شعر اروپا و امریکاکه که عمدتاً در مجلات سخن و کاروش چاپ شده‌اند، و همچنین ترجمه پستونیکو و چهارم که هر یک کتابی مستقل‌اند، نمایه کوشش‌های ادبی او را رونق بخش نری می‌بخشد.

چوبک ناآوارلیستی توانا بود که به جرئت می‌توان او را در کنار کسانی چون امیل زولا و فردریناس سلین قرار داد. بی‌دلیل نیست که تنگسیرش به اکثر زبان‌ها زنده دنیا ترجمه می‌شود و گروهی از صاحب‌نظران معتقدند که سنگ سبورش جزوه درمان برجسته ایرانی‌ست. یاد نویسنده قصه‌های چسرا دریا طوفانی شد و پیرهران زرشکی گرامی و جاودانه باد.

پیام تسلیت

با غمیر فدیعم که شوهر آفتش خاطر بلندآرزویی ایران به سوگم مرگم نایب‌تلمیح برادرش نشسته است. حدیث مسئولان شورای سردیبری و همه نویسندگان که در جله فرهنگ توسعه قائم می‌زنند خود را در غم تو فریغم می‌دانند تا ضمن مرخص تسلیت به شوهر عزیز برای او و بازماندگان آن مرحوم سعادت و سلامت آرزو می‌کنیم.

پوزش و عذرخواهی

در شماره ۳۲-۳۳ در مقاله‌ی چپ و جامعی مدنی شوکت باهرمان سال نایب کتاب ۳۰-۳۱ به یاد کرده‌ام که ۱۹۴۰ بوده که ۱۹۰۲ درنده است. بدین‌وسیله از غول‌تنگان و آقای ماسه‌روان پوزش می‌خواهم.

اعمال سیاست‌ها و روش‌هایی که در خور و شایسته یک تشکیلات کارگری است مستغیرو نمی‌نماید رهبران خلفی کارگر حتا در سرزمین نیاز سیاسی کشور در نوم خرداد ۱۳۷۶ یعنی انتخابات ریاست جمهوری به دلیل عدم اتکاد به توده‌های کارگری و وابستگی به قطب‌ها و جناح‌های حکومتی سانسفانه نتوانستند موضوع روشنی مورد برنامه‌های اعلان شده و شعارهای انتخاباتی اتخاذ نمایند و فقط در دعوت به انتخابات پسند کردند عجائبات آن‌چه که پیش‌تر موضوع بحث این نوشتار است توجه به مسئله جلوگیری از مشارکت کارگران در حیات سیاسی - اجتماعی کشور و تحقق شمار جامعه‌ی مدنی است. حاصلیت موضوع از آن‌جا ناشی می‌شود که کارگران صنعتی، کشاورزی و بخش‌های مختلف قریب ۲۶ درصد جمعیت کشور را در بر می‌گیرند و به جرأت می‌توان گفت که اکثریت این توده‌ی فعال کارگری در انتخابات به شمار آزادی و قانون و جامعه‌ی مدنی رأی می‌دانند و با رأی خود ریاست‌جمهوری خاتمی را برگزیدند. آن‌جا که این نیروی به عنوان گردانندگان اصلی چرخ صنایع و



کارخانجات و معادن و کشتزارها، عمدتاً زمین سهم را در ایجاد توسعه‌ی پایدار می‌توانند ایفا کنند و با عنایت به این‌که همین بلیقه در همه‌ی مقاطع تاریخی و در همه‌ی مسائل متلاطم جامعه، چون جنگ و دوران سازندگی پس از جنگ، علی‌رغم همه‌ی ستم‌ها و تحمل سختی‌ها و نارسایی‌ها همچون ستونی استوار بنای این سیهن اجزمتد را پارچا نگه‌داشته‌ی پس قبل از هر چیز انتظار می‌رود که دولت منتخب رئیس‌جمهور که قاعدتاً باید متحد به شمار جامعه‌ی مدنی، کسرت‌گرایسی، آزادی و قانونمداری باشد، نسبت به رفع موانع قانونی که اولین گام جدی در راه تأمین منافع کارگران و نقش آن‌ها در حیات اجتماعی و اقتصادی کشور و در راستای ایجاد جامعه‌ی مدنی می‌باشد اقدام نماید.

منابع:

- ۱- روزنامه‌ی همشهری، اول اردیبهشت ۷۷.
- ۲- آخرین داده‌های مرکز آمار ایران.
- ۳- قانون کار جمهوری اسلامی، ایران، تدوین جهانگیر منصور.
- ۴- مجموعه‌ی قوانین و مقررات کار و بیمه با آخرین اصلاحات و الحاقات ۱۳۶۲، تدوین غلامرضا حجتی اشرفی.

این بخش چنانچه عبارت «کارگری» به جای «کارگر» در پیش‌نویس قانون کار پیش‌نهادی خود مجوز می‌نماید حتا در این زمینه تلاش‌هایی صورت می‌پذیرفت تا قوانین دست‌تر از قانون مصوب ۱۳۳۷ نیز به تصویب برسد که با وجود اتکاد کثرتی کارگران و تلاش و مبارزه‌ی مابان و بهره‌آفران، آن‌ها در ترفندها در مجموع عقبه ماند و نتیجه آن شد که بالاخره یازده سال پس از پیروزی انقلاب یعنی در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۰ قانون کار توسط مجلس شورای اسلامی تصویب کرد و پس از مجادلات فراوان و عدم توافق مجلس و شورای نگهبان سرانجام مجمع تشخیص مصلحت در تاریخ ۱۳۶۸/۷/۲۹ آن را به تصویب رساند. هر چند طبق ماده‌ی ۱۳۱ قانون واصل بیستوششم قانون اساسی، کارگران مشمول قانون کار می‌توانند به صورت به تشکیل انجمن صنفی نمایند ولی متأسفانه در این‌نامه‌های موضوع تبصره ۵ همین ماده قانونی همان وابستگی و عدم استقلال در شکل‌گیری در ورای ماده‌ی ۱۳۱ قانون کار و اصل بیستوششم قانون اساسی

● با حذف تدریجی بخش قابل توجهی از شوراهای مستقل کارگری و جایگزینی آن‌ها با شوراهای محمول آیین‌نامه تبصره ۵ ماده‌ی ۱۳۱، ماهیتاً به تشکیلاتی کارگری - حکومتی بدل گشتند و همان‌گونه که مشاهده می‌شود.

قرار می‌گیرد و همان نقشی که شورای نگهبان بر انتخابات مجلس اعلام کرده است به وزارت کار و نماینده‌ی کارفرما می‌دهد و حکم می‌کند که صلاحیت نامزدهای نمایندگان کارگران باید توسط هیئت مرکب از نماینده‌ی کارگران و نماینده‌ی کارفرما و نماینده‌ی وزارت کار، مورد بررسی قرار گیرند و پس از تأیید توسط کارگران انتخاب شوند حاصل همه‌ی نامزدهای قانونی و غیرقانونی در راه تشکیل پایبانی ازادانه و مثبت به حقوق فردی و اجتماعی افراد جامعه‌ی کارگری، پس از پیروزی انقلاب چه بوده است؟ نمونه‌ی روشن آن در بهترین حالت، فعالیت و عمل‌کرد «خانه‌ی کارگر» است. خانه‌ی کارگر به عنوان تنها تشکیلات باقی‌مانده‌ی کارگری مانند سایر تشکلهای مورد هجوم جنی قرار گرفت، و طی تغییرات جدی، سرانجام به لطف جنبش قانون کار و حمایت بخشی از دل‌خوشگان انقلاب نتوانست از تلاش و نابودی نجات یابد ولی با حذف تدریجی بخش قابل توجهی از شوراهای مستقل کارگری و جایگزینی آن‌ها با شوراهای محمول آیین‌نامه تبصره ۵ ماده‌ی ۱۳۱، ماهیتاً به تشکیلاتی کارگری - حکومتی بدل گشتند و همان‌گونه که مشاهده می‌شود علی‌رغم برخی گرایشات سالم موجود در آن‌ها کم‌تر نتوانستند در جهت